

ببین الملاء والظلمین و بیان این است که حضرت ذوالجلال والایمان
در ازل اول نبوت کان الله لا اله الا انت سبحان الله اول نبی که بر خود گردید و آنکه در
عزیزی در میان باشد بصورت شافی بود مطلق کلی جامع بر جمیع سیرتین را
با اعتبار بعضی از بعضی و صورت معلومیت آن نشان را تعیین اول و حقیقت محمد
گویند و حقایق سائر موجودات همه جز او تفصیل آن حقیقت اند و تجلی فی کون
آنها واقع شده است و در علم انشا و انبعاث از کجایی بصورت آن حقیقت
یافته است و صورت وجودی آن حقیقت اولاً در مرتبه ادوات حیرت بخرد که
شارح صلی الله علیه و آله و سلم آیه اذ انزلنا من السماء ماء فاعلم امة بروجها من
قبله که در است حقیقت فی کون الله علیه و آله اول ما خلق الله العقل و اول
ما خلق الله العلم و اول ما خلق الله روحی او قوی و شک نیست که اختلاف بسیار
یعنی بل اختلاف اعتبارات است زیرا که مرتبه اولیّت بزرگتر از آن تواند
بود و صورت وجودی سائر حقایق منتشی از صورت وجودی آن حقیقت
مرتبه بعد از مرتبه تا منتهی شود و بصورت جسمانی عسری در شهادت ظاهر شد
به نبوت موصوفه گشتند بخلاف پیغمبر صالح الله علیه و آله که چون بود در و جان
موجود در شارات داد و شد و اعلام کرده اند با نبوت بالفعل و در حقیقت
حکم و بر او دادند تا بر دست آنها و رسول که تو اب وی بودند چنانکه در عالم
شهادت امیر المؤمنین علی و معاذ بن جبل رضی الله عنهما به تباخت وی بر
وقت مذکور بیخ احکام کردند زیرا که نبوت نبوت نیست جز با اعتبار شهادت
عسری در حقیقت العباس هم مترادف نبوت است وی بود و با شد که بر نبوت تو
وی بخن

وی بخن رسیده است و چون بود در دنیا فی عسری ظاهر شد شرح آن شرح
که در کتب باطن مخفی کرده بود زیرا که اختلاف هم در استعدادت و قابلیت
مقتضی اختلاف شرایع است و اجماع است بر آن که انبیا علیهم السلام
از یکجهت فاضله مذکور هیچ یک را اولیا و صدیقان بدرجه ایشان نرسد
اگر چه بلند باری و قوی باید بود از دیگر نفسان عالمی همه گفته است که از خیرین
یا ائمه الصدیقین اول الابرار الالهیة و این عطا رحمتی است که گفته است که
اولی مرتب است المرسلین علی مرتب الالهیة و اولی مرتب الالهیة علی
مرتب الصدیقین و اولی مرتب الصدیقین علی مرتب التمام و اولی
مرتب التمام علی مرتب الصالحین و اولی مرتب الصالحین علی
مرتب المؤمنین و آنچه منقول است از بعضی اولیای ائمه که ولایت نبوت
ما ضلست است بنا بر آن است که نبی را ولایت است یکی جهت ولایت که
باطنی نبوت است و دیگری جهت نبوت که ظاهر ولایت است و نبی جهت که
از حق تعالی عطا و فیض می گستاند و از راه نبوت که ظاهر ولایت بخن می
و شک نیست که روی که در حق است سجاها اشرف و افضل است از روی که
در خلق است پس مراد وی آن است که جهت ولایت نبی از جهت نبوت
وی افضل است نه آنکه ولایت ولی تابع افضل است از نبوت نبی مستوجب
انرا سجاها از نبی آید چنانچه قاضی حیران را متوجه می شود که ولی افضل یا نبی از نبی آید
که نبی از جهت ولایت حاصل است بر وجه اکل از ولایت ولی و مرتبه نبوت بر
زیادت قابل افضل الکبیرا العارضین قدس سره علی سراسر هم از جهت ائمه

Copyright © King Saud University